تحلیل کلام ابو شامه در مورد شرط اعتبار فرد فرد قرائات

از هفته قبل میخواستم این را بخوانم. ببینید ابن جزری در مقدمه النشر، این عبارت را دارد؛ دو-سه هفته است که عرض کردم شهید ثانی در المقاصد العلیه تناقض نگفته‌اند. در النشر عبارتی هست که این بحث را با یک جمله کوتاه خلاصه کرده است. از ابو شامه نقل کرده است. ابوشامه‌ای که همه میگویند اینها را در کرده، در النشر از او میآورد و میگوید:

> (قال) الإمامُ الكَبيرُ أبو شامَةَ في " مُرْشِدِهِ": وَقَدْ شاعَ عَلَى أَلْسِنَةِ جَمَاعَةٍ مِنَ الْمُقْرِئِينَ الْمُتَأَخِّرِينَ وَغَيْرِهِمْ مِنَ الْمُقَلِّدِينَ أَنَّ الْقِرَاءَاتِ السَّبْعَ كُلَّهَا مُتَوَاتِرَةٌ، أَيْ كُلُّ فَرْدٍ فَرْدٍ مِمَّا رُوِيَ عَنْ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةِ السَّبْعَةِ، قَالُوا وَالْقَطْعُ بِأَنَّهَا مُنَزَّلَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاجِبٌ وَنَحْنُ بِهَذَا نَقُولُ، وَلَكِنْ فِيمَا اجْتَمَعَتْ عَلَى نَقْلِهِ عَنْهُمُ الطُّرُقُ وَاتَّفَقَتْ عَلَيْهِ الْفِرَقُ مِنْ غَيْرِ نَكِيرٍ لِهَذَا مَعَ أَنَّهُ شَاعَ وَاشْتَهَرَ وَاسْتَفَاضَ، فَلَا أَقَلَّ مِنَ اشْتِرَاطِ ذَلِكَ إِذَا لَمْ يَتَّفِقِ التَّوَاتُرُ فِي بَعْضِهَا[1]

«وَقَدْ شَاعَ عَلَى أَلْسِنَةِ جَمَاعَةٍ مِنَ الْمُقْرِئِينَ الْمُتَأَخِّرِينَ وَغَيْرِهِمْ مِنَ الْمُقَلِّدِينَ أَنَّ الْقِرَاءَاتِ السَّبْعَ كُلَّهَا مُتَوَاتِرَةٌ»؛ میگویند که اینها مقلد هستند و نمیدانند که چه میگویند. بعد میگوید:**«أَيْ كُلُّ فَرْدٍ فَرْدٍ مِمَّا رُوِيَ عَنْ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةِ السَّبْعَةِ»**؛ یعنی همین که یک روایتی از عاصم شد دیگر کافی است. «کل فرد فرد ما روی»، نه کل فرد فرد از آیاتی که بر أقرا القرائ. چه قدر عبارت تفاوت میکند! میگوید خیال اینها رسیده که به این صورت است.**«قَالُوا وَالْقَطْعُ بِأَنَّهَا مُنَزَّلَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاجِبٌ وَنَحْنُ بِهَذَا نَقُولُ»**؛ ما هم قبول داریم که به این صورت است،**«وَلَكِنْ فِيمَا اجْتَمَعَتْ عَلَى نَقْلِهِ عَنْهُمُ الطُّرُقُ»**؛ کل فرد فرد ما روی، را ما قبول نداریم، بلکه جایی که **«اجتمعت عنهم الطرق وَاتَّفَقَتْ عَلَيْهِ الْفِرَقُ مِنْ غَيْرِ نَكِيرٍ لَهُ مَعَ أَنَّهُ شَاعَ وَاشْتَهَرَ وَاسْتَفَاضَ»**؛ ببینید چه قیدهایی میزند! میگوید غیر از اینکه همه طرق اتفاق کنند، در بدنه قرائات باید مشهور هم باشد. یعنی صرف اتفاق طریق های سندی تدوینی کافی نیست. باید در میدان هم مشهور باشد.**«فَلَا أَقَلَّ مِنَ اشْتِرَاطِ ذَلِكَ إِذَا لَمْ يَتَّفِقِ التَّوَاتُرُ فِي بَعْضِهَا»**؛ اگر تواتر در بعض آنها نباشد، شرطش این است که حداقل مشهور باشد.

الآن این عبارت چه میگوید؟ «کل فرد فرد مما روی»، اگر شما این جمله را «کل فرد فرد مما قرء» معنا کنید، اشتباه کرده‌اید. اصلاً یک چیز دیگری میفهمید. به فضای دیگری میروید و به اهل فن چیز دیگری را نسبت میدهید. فرد فرد به روایات این طرق میخورد. و لذا میگوید درجایی‌که همه طرق جمع هستند قبول دارم. اما آن جایی که فرد است را قبول ندارم.

ی‌ک مورد آن، الآن به ذهنم آمد. در النشر ابن جزری در همین «هئت َلک» می‌گوید ی‌ک نفر آن را روایت کرده و احدی از او متابعت نکرده است. این به چه معنا است؟ یعنی «مما روی عن السبع» است، ولی کسی از او متابعت نکرده است. «وانْفَرَدَ الْهُذَلِيُّ عَنْ هِشَامٍ مِنْ طَرِيقِ الْحُلْوَانِيِّ[2]». الآن من عرض کردم، آن چه که از حلوانی معروف است، از هشام و از ابن عامر چه نقل کرده بود؟ «هئتَ». می‌گوید همین حلوانی یکی از روایت از او که هزلی است، بدون همزه نقل می‌کند. او گفته حلوانی «هیت َلک» خوانده است. یعنی مثل ابن زکوان خوانده است. بعد می‌گوید «وَلَمْ يُتَابَعْ عَلَى ذَلِكَ أَحَدٌ»؛ درحالی‌که «هیت َلک» را ابن زکوان و دیگران هم روایت کرده‌اند، می‌گوید نه، او دارد به طریق حلوانی از هشام نسبت می‌دهد که منفرد است. حال اگر روایتی گفته بود که در قرائتی می‌خواست بیاید ولی نبود، اینجا ابوشامه می‌گوید ما آن را قبول نداریم. انفرد و لم یتابع احد. این جور نیست که در «کل فرد فرد مما روی»، همانطور که هذلی می‌گوید شما متابعت کنید.عبارت ابوشامه روشن است، اما وقتی توجه نکنید به اینجاها می‌رسد.

---

[1]همان ۱۳

[2]همان ج ۲ ص۲۹۴

بازبینی #2
ایجاد شده 1 مه 2024 13:29:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئن 2024 14:20:14 توسط ... .